



مبادی و مبانی اصول خطوط و خوشنویسی اسلامی ایران (۱)

علی اصغر مقتدایی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و کمک‌درسی (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

پیشگفتار	نه
بخش اول. خطوط قبل از اسلام در ایران	۱
فصل اول. خطوط قبل از اسلام	۳
۱-۱ پیدایش خطوط باستانی	۴
۲-۱ پیدایش خط میخی	۸
۱-۲-۱ خط میخی سومری	۸
۲-۲-۱ خط میخی ایلامی	۱۳
۳-۲-۱ خط میخی پارسی	۱۴
۳-۱ خط آرامی	۲۱
۱-۳-۱ خط پهلوی	۲۳
۲-۳-۱ خط اوستایی	۲۹
۳-۳-۱ خط زند و پازند	۳۰
خودآزمایی	۳۴
بخش دوم. خطوط اسلامی	۳۷
فصل دوم خط‌های عربی	۳۹
۱-۲ پیدایش خط عربی	۳۹
۱-۱-۲ خط سریانی	۴۰
۲-۱-۲ خط مسند	۴۱
۳-۱-۲ خط معینی	۴۲

۴۳	 خط سبائی ۴-۱-۲
۴۴	 خط حمیری ۵-۱-۲
۴۵	 خط اتیوپیائی ۶-۱-۲
۴۵	 خط لحيانی ۷-۱-۲
۴۶	 خط ثمودی ۸-۱-۲
۴۶	 خط صفوی ۹-۱-۲
۴۷	 خط نبطی ۱۰-۱-۲
۴۸	 خط عربی ۲-۲
۴۹	 خط جزم ۱-۲-۲
۵۱	 خط مقور ۲-۲-۲
۵۳	 خط مبسوط ۳-۲-۲
۵۴	 خودآزمایی

۵۶	 فصل سوم. خط کوفی
۵۶	 ۱-۳ پیدایش خط کوفی
۵۹	 ۱-۱-۳ شباهت خط کوفی با اوستایی
۶۰	 ۲-۱-۳ انتشار خط کوفی
۶۱	 ۳-۱-۳ خط و کتابت در صدر اسلام
۶۳	 ۴-۱-۳ نقطه و اعراب گذاری خط کوفی
۶۵	 ۲-۳ خط‌های کوفی مشرقی
۶۶	 ۱-۲-۳ خط کوفی ساده
۶۷	 ۲-۲-۳ خط کوفی مائل
۶۷	 ۳-۲-۳ خط کوفی مشق
۶۸	 ۴-۲-۳ خط کوفی غوری
۶۹	 ۵-۲-۳ خط کوفی خراسانی
۷۰	 ۶-۲-۳ خط کوفی پیرآموز
۷۳	 ۷-۲-۳ خط کوفی معقلی
۷۸	 ۸-۲-۳ خط کوفی مستطیل
۸۰	 ۹-۲-۳ خط کوفی منکسر
۸۰	 ۱۰-۲-۳ خط کوفی تزئینی
۸۴	 ۱۱-۲-۳ خط کوفی مصور
۸۴	 ۱۲-۲-۳ خط کوفی متلاصق
۸۵	 ۱۳-۲-۳ خط کوفی مظفر
۸۵	 ۱۴-۲-۳ خط کوفی زخرفی
۸۷	 ۱۵-۲-۳ خط کوفی سنجری
۸۷	 ۱۶-۲-۳ خط کوفی گره‌دار
۸۹	 ۱۷-۲-۳ خط کوفی مشجر
۸۹	 ۱۸-۲-۳ خط کوفی موزق
۹۰	 ۱۹-۲-۳ خط کوفی متداخل

۹۱	خط کوفی مزهر..... ۲۰-۲-۳
۹۲	خط کوفی معشق..... ۲۱-۲-۳
۹۳	خط کوفی مشبک..... ۲۲-۲-۳
۹۴	خط کوفی حاشیه‌دار..... ۲۳-۲-۳
۹۵	خط کوفی مدور..... ۲۴-۲-۳
۹۶	خط کوفی متعاقبالرئوس..... ۲۵-۲-۳
۹۶	خط کوفی موشح..... ۲۶-۲-۳
۹۷	خط کوفی موشح کامل..... ۲۷-۲-۳
۹۷	خط کوفی مشکگل..... ۲۸-۲-۳
۹۹	خط‌های کوفی مغربی..... ۳-۳-۳
۱۰۱	خط کوفی قبروانی..... ۱-۳-۳
۱۰۳	خط کوفی اندلسی..... ۲-۳-۳
۱۰۳	خط فاسی..... ۳-۳-۳
۱۰۴	خط سودانی..... ۴-۳-۳
۱۰۵	خودآزمایی.....
۱۰۷	فصل چهارم. خط‌های رایج بعد از کوفی..... ۱۰۷
۱۰۷	۱-۴ پیدایش خط‌های رایج بعد از کوفی..... ۱۰۷
۱۰۹	۱-۴-۱ قلم جلیل..... ۱۰۹
۱۱۰	۲-۴-۱ قلم طومار..... ۱۱۰
۱۱۲	۳-۴-۱ قلم ریاسی..... ۱۱۲
۱۱۲	۴-۴-۱ قلم مسلسل..... ۱۱۲
۱۱۴	۵-۴-۱ قلم مسلسل زنجیری..... ۱۱۴
۱۱۵	۶-۴-۱ قلم مسلسل مضاعف..... ۱۱۵
۱۱۶	۷-۴-۱ قلم متساوی..... ۱۱۶
۱۱۶	۸-۴-۱ قلم مقترون..... ۱۱۶
۱۱۷	۹-۴-۱ قلم جلیل الثلث..... ۱۱۷
۱۱۸	۱۰-۴-۱ قلم غبار..... ۱۱۸
۱۲۲	خودآزمایی..... ۱۲۲
۱۲۴	فصل پنجم. اقلام سته..... ۱۲۴
۱۲۷	۱-۵ پیدایش اقلام سته..... ۱۲۷
۱۲۸	۱-۵-۱ خط محقق..... ۱۲۸
۱۳۸	۲-۵-۱ خط ریحان..... ۱۳۸
۱۴۳	۳-۵-۱ خط ثلث..... ۱۴۳
۱۵۲	۴-۵-۱ خط نسخ..... ۱۵۲
۱۷۳	۵-۵-۱ خط توقیع..... ۱۷۳
۱۷۵	۶-۵-۱ خط رقاع..... ۱۷۵
۱۸۰	خودآزمایی..... ۱۸۰

۱۸۲	 فصل ششم. خط‌های فارسی
۱۸۲	 ۱-۶ ابداع خط‌های فارسی
۱۸۳	 ۱-۱-۶ خط تعلیق
۱۹۰	 ۲-۱-۶ خط نستعلیق
۲۲۵	 ۳-۱-۶ خط شکسته نستعلیق
۲۴۳	 خودآزمایی
۲۴۵	 منابع

پیشگفتار

هنر والا و ارزشمند خوشنویسی با سابقه درخشان خود در تاریخ هنر اسلامی از پایگاه ویژه و رفیعی برخوردار است. کاتبان با الهام از فرهنگ غنی اسلام در مقام مدرس اخلاق به روح معنوی مفاهیم اسلامی جلوه خاص بخشیده‌اند. این هنر در طول عمر پربار خویش از ناخالصی‌ها به‌دور مانده و همواره قابلیت خود را برای ثبت آثار جاوید و ماندگار به اثبات رسانیده است.

کتاب مبانی و مبادی اصول خطوط و خوشنویسی اسلامی ایران، در برگرفته مباحث نظری خوشنویسی و دانستنی‌های مربوط به خط و کتابت و خوشنویسی اسلامی است که شامل: شرح و بسط تاریخ خط در ایران و خطوط رایج قبل از اسلام؛ پیدایش و ابداع و رواج خطوط بعد از اسلام؛ پیدایش انواع خط‌های کوفی و نگارش آن‌ها در کتابت قرآن؛ خط‌های به‌کار رفته در کتیبه‌ها و بناهای اسلامی مانند کاشی‌کاری‌ها، محراب‌ها، منبرها، رحل‌های چوبی، ظروف و اشیاء فلزی، سفالی، سرامیکی و ...؛ پیدایش اقلام موزونه و کاربرد هریک از آن‌ها؛ ابداع اقلام سته که ابن‌مقله بیضاوی شیرازی در پیدایش آن‌ها نقش بسزایی داشته است؛ تکامل و ترویج اقلام سته که پیروان و شاگردان ایرانی ابن‌مقله در گسترش و اشاعه آن‌ها در جهان اسلام کوشیدند؛ و نیز ابداع و رواج خطوط فارسی و ایرانی تعلیق و نستعلیق و شکسته نستعلیق که خاص ایرانیان ابداع گردیده، می‌باشد. همه این خطوط که به همراه نمونه‌های مختلف آن‌ها از نظرتان می‌گذرد، بر اساس سرفصل‌های دانشگاه تألیف و تدوین گردیده است. این کتاب ارزشمند که حاصل تحقیق و پژوهش نگارنده است تقدیم به دانشجویان، خوشنویسان و دانش‌پژوهان گرامی می‌گردد.

در خاتمه از همکاری صمیمانه کلیه همکاران به‌ویژه آقای دکتر محمدعلی ابراهیمی (مدیریت محترم تدوین)، آقای محمدرضا ثمری (معاون محترم تدوین)، سرکار خانم مینا حاجی انزهایی (کارشناس محترم تدوین) آقای دکتر امید بناکار شیرازی (ویراستار علمی)، به دلیل زحمات بی‌دریغ‌شان در راستای چاپ کتاب، کمال سپاسگزاری و امتنان را دارم.

علی اصغر مقتدائی

بخش اول

خطوط رایج قبل از اسلام در ایران

فصل اول

خطوط قبل از اسلام

هدف کلی

آشنایی با خطوط باستانی ایران

اهداف یادگیری

در پایان این بخش دانشجو باید:

۱. خطوط رایج هفت‌گانه قبل از اسلام را نام ببرد.
۲. مراحل فرهنگی تمدن سومریان را شرح دهد.
۳. سیر تکامل خط میخی را بررسی کند.
۴. خط میخی پارسی را توضیح دهد.
۵. خطوط منشعب‌شده از آرامی را نام ببرد.
۶. منشأ نام‌گذاری خط پهلوی را بیان کند.
۷. خط اوستایی را بشناسد و حروف آن را با کوفی مقایسه کند.
۸. زند و پازند را بتواند تعریف کند.

نخستین گام بشر به‌سوی تمدن، فرهنگ و دانش، پیدایش خط و اختراع الفباست. از دیرباز محققان و پژوهشگران به اهمیت خط پی برده و همواره درصدد کشف چگونگی اختراع آن بوده‌اند. خط پس از پیدایش طی هزاران سال سیر تکاملی خود را پیموده تا به‌شکل کنونی به‌دست ما رسیده است. خطوط قبل از اسلام در ایران عبارت بودند از: خطوط باستانی، خطوط میخی، خط آرامی، خط پهلوی خط اوستایی، خط زند و پازند.

۱-۱ پیدایش خطوط باستانی

در اساطیر ایرانی و در روایت‌های زرتشتی، گفتاری به ظاهر شبیه با عقاید اهل دین آمده است که خط را «دیوها» به «طهمورث» آموخته‌اند. طهمورث، پسر هوشنگ، پسر کیومرث، ملقب به زیناوند، سومین پادشاه از طبقه پیشدادیان (که سلطنتشان ۷۷ سال پیش از طوفان نوح تشکیل شده بود) با «دیوها» (که پیروان دین‌های نجومی بودند) جنگ کرد و آنان را گرفتار ساخت. دیوها برای رهایی از بند، به طهمورث مژده دادند که در برابر آزادی به او هنر نوشتن را می‌آموزند. آن‌ها هفت گونه خط را به پادشاه ایران آموختند. فردوسی، داستان آموزش خط را از روی این روایت چنین نقل کرده است:

«چنین گفت که امروزین تخت و گاه جهان از بدی‌ها بشویم به رای ز هر جای کوتاه کنم دست دیو مر او را یکی پاک دستور بود برفت اهرمن را به افسون ببست زمان تا زمان زینش بر ساختی چو دیوان بدیدند کردار اوی چو طهمورث آگه شد از کارشان از ایشان دو بهره به افسون ببست کشیدندشان خسته و بسته خوار کی نامور دادشان زینهار که ما را مگش تا یکی نو هنر چو آزادشان شد سر از بند اوی نبشتن به خسرو بیاموختند نبشتن یکی نه که نزدیک سی چه سغدی چه چینی و چه پهلوی	مرا زبید و تاج و گرز و کلاه پس آنگه ز گیتی کنم گرد پای که من بود خواهم جهان را خدیو که رایش ز کردار بد دور بود چو بر تیز رو بارگی بر نشست همی گرد گیتیش بر تاختی کشیدند گردن ز گفتار اوی بر آشفست و بشکست بازارشان دگرشان به گرز گران کرد پست به جان خواستند آگهی زینهار بدان تا نهانی کنند آشکار بیاموزی از ما کت آید به بر بجستند ناچار پیوند اوی دلش را به دانش بر فروختند چه رومی چه تازی و چه پارسی نگاریدن آن کجا بشنوی»
---	---

در برخی از منابع، روایت فوق این‌گونه آمده است:

«در بند ۱۹ پازند به نام «ائو گمداچا» آمده است: «و طهمورث زیناوند پسر ویونگهان بود که دیوان اهریمن را به بند کشید و هفت گونه دبیری از ایشان بیاموخت».

خطوط قبل از اسلام ۵

- محمدبن جریر طبری در کتاب *تاریخ طبری* می‌گوید: «اندر پادشاهی طهمورث ... و فارسی نخست او نبشت».

- حسن پیرنیا در کتاب *تاریخ ایران باستان*، دیوان را مردمی غیر آریایی فرض کرده، که به آریایی‌های مهاجم خط آموختند (محمودی بختیاری، ۱۳۵۷: ۲۱۴-۲۱۶).

برخی از مستشرقان معتقدند مقصود از این دیوها که حکایت آن در بالا نقل گردید، اسرای آرامی^۱ بوده‌اند، زیرا ایرانیان قدیم عموم بیگانگان را «دیو» می‌خوانده‌اند و معلوم می‌شود که اسیران آرامی که قومی تاجرپیشه و سیاح بودند، از خط‌های سایر اقوام نیز با اطلاع بوده‌اند و الفبای اوستایی و خط پهلوی را به ایران آورده‌اند و هر دو خط از ریشه خط آرامی اقتباس شده است.

طهمورث به جمعی خواندن و نوشتن آموخت تا به تدریج در جهان خط نوشتن رایج شد. در اسناد سریانی آمده است که زرتشت کتاب اوستا را به هفت زبان: سریانی، فارسی، آرامی، سگستانی، مروزی، یونانی و عبری نوشته است.

هنگامی که گشتاسب به پادشاهی رسید نوشتن توسعه یافت و «زرتشت» پسر اسپتیمان^۲، ظاهر شد و کتاب شگفت‌انگیز خود را که به همه زبان‌ها بود نشان داد، و مردمی که خود را به آموختن خط و نوشتن حاضر کرده و مهارت پیدا کرده بودند، بسیار شدند.

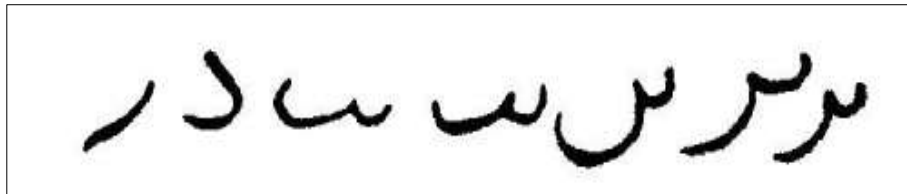
عبدالله‌بن مقفع زبان‌های فارسی را عبارت از: پهلوی، دری، فارسی، خوزی و سُرّیانی می‌داند (ابن‌الندیم، ۱۳۸۱: ۲۲). ابن‌الندیم (متوفی در ۳۸۵ هـ ق) به نقل از روزبه (عبدالله‌بن مقفع متوفی در ۱۴۴ هـ ق) نیز خطوط هفت‌گانه رایج قبل از اسلام را این‌گونه نام می‌برد: دین دَفریه یا دین دِپیری (در اصل دین دِپیوریه^۳ بوده) به معنی

1. Arameans

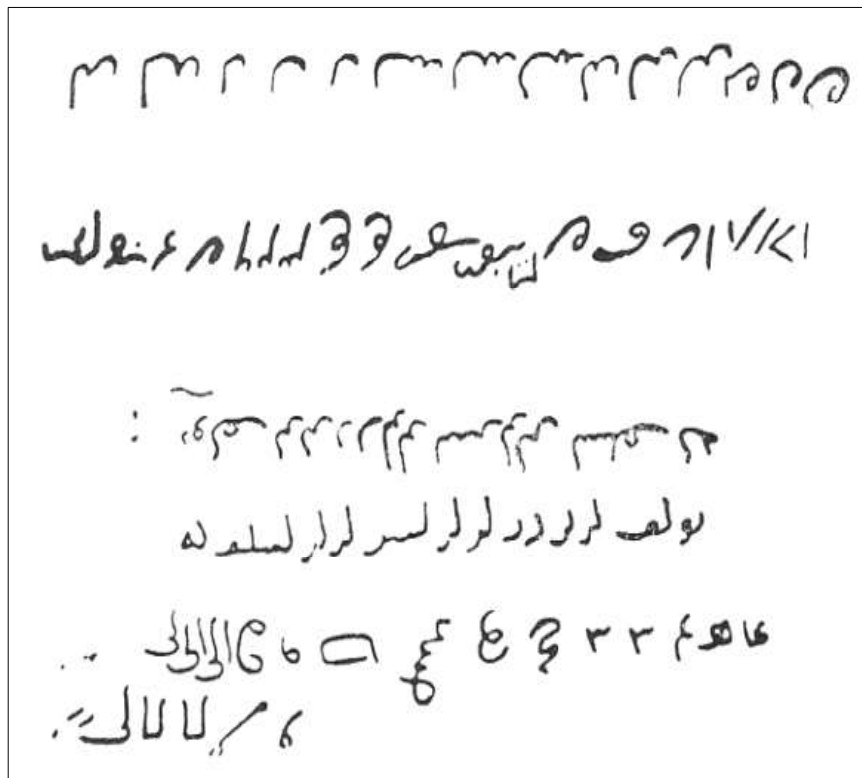
۲. نام مؤسس آیین ایران باستان، در فارسی به صورت‌های: زردشت، زرتشت، زردهشت، زراتشت، زارتشت، زره‌تشت، زاردهشت، زارتهشت، زارهوش، زرادشت، زراهشت، زره‌دشت و زره‌هشت آمده و معمول‌تر از همه زردشت و زرتشت است و نام خانوادگی او سپتیمه spitama است که در پهلوی، سپتیمان یا سپتیمان شده است. در زادگاه او اختلاف است، برخی او را از آذربایجان و برخی از ری و غالباً از شمال شرقی ایران دانند. درباره زمان او سخن‌های بسیار گفته شده، سنت زرتشتیان زمان او را حدود ۶۰۰ ق م تعیین می‌کنند و گروه دیگر زمان او را در هزاره دوم پیش از میلاد قرار داده‌اند. پدر زرتشت، پورشب و مادر او دغدو نام داشت و او معاصر کی‌گشتاسب بود و گشتاسب دین او را پذیرفت (برهان قاطع، ج ۲، صص ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲).

۳. دِپیوریه، مرکب از «دِپی» به معنی خط و «ور» از ادات فاعلی و «یه» که همان یاء مصدری فارسی است که با هاء ساکن همراه بوده است و معنی آن «خط‌نویسی دینی» است (سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۸۱، حاشیه، ۲).

خط دینی که اوستا را با آن می‌نوشتند، ویش دبیره؛ کشتج^۱، نیم کشتج، شاه‌دبیره، راز سهریه و راس سهریه.



شکل ۱-۱. خط شاه دبیره (الفهرست)



شکل ۲-۱. خط کشتج (الفهرست)

۱. «کشتج» و «کشتج» Kashtadj معرب «گشتک» است که امروزه به آن گشتک یا گشته گویند یعنی تغییر قیافه (سبک شناسی ج ۱، ص ۷۷، حاشیه، ۲).



۱۲ درم ۳ دور دره و "م"
۷ سم مع در سح-۷

همچنین هجایی نیز دارند که به آن زوارشن (هژوارش) گویند و آن را جداگانه

هزوارش چیست - زوارشن^۱ همان هزوارش است. ابراهیم پور داود در مقدمهٔ برهان قاطع، صفحهٔ ۱۲ می‌گوید: هزوارش در سراسر نوشته‌های پهلوی چه در سنگ نوشته‌ها و چه در گزارش پهلوی اوستا (=زند) و در نامه‌های پیش از اسلام و پس از اسلام (به استثنای آثار تورفان مانوی)، هزارها کلمهٔ سامی از لهجهٔ آرامی به‌کار رفته است. به این گونه کلمات که فقط در کتاب می‌آمده و به زبان رانده نمی‌شد هزوارش می‌گویند. به عبارت دیگر هزوارش یا ایدئوگرام^۲ علامت یا نشانه‌ای بوده به هیئت یک کلمهٔ آرامی که به جای آن در خواندن یک کلمه ایرانی می‌نشانند و خود کلمهٔ هزوارش (= زوارش)، از مصدر ازوارتن^۳ به معنی بیان کردن، تفسیر نمودن و شرح دادن است و به همین معنی در نامه‌های پهلوی چون دین کرت، بندهش و نامک‌های منوچهر و چیتک‌های زادسپرم و شکند کمانیک و یچار آمده و در نوشته‌های تورفان «ایزوارتن»^۴ به‌کار رفته است (ابن‌الدیم، ۱۳۸۱: ۲۴).

1. Zavavreshn
2. Ideogram
3. Uzvartan
4. Ezvartan

۱-۲ پیدایش خط میخی

سومری‌ها مخترع نخستین خط و کتابت بوده‌اند. آن‌ها به طرق مختلف در تکامل و پیشرفت خط گام‌های مؤثری برداشتند تا آنجایی که نتیجه کوشش و زحمات‌های مستدام ایشان، منجر به ایجاد خط میخی گردید، و مسلماً این قوم در پیشرفت هنر کتابت سهم به‌سزایی داشته‌اند، و می‌توان گفت که اولین اختراع خط مقارن با طلوع تمدن سومری‌ها بوده‌است. خط در سومر مراحل مختلف را طی کرد و از خط تصویری و ایدئوگرام به صورت خط میخی علائمی درآمد.

۱-۲-۱ خط میخی سومری

با توجه به الواح به‌دست آمده سومری، این امر محقق است که سومریان در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد خط میخی داشته‌اند، و آن را به‌نحو مؤثری پیشرفت داده‌اند. ملت‌های همسایه سومر (بابلی‌ها، ایلامی‌ها، پارس‌ها و آشوری‌ها) رفته رفته به ارزش و اهمیت خط میخی پی بردند و آن را از سومریان به عاریت گرفتند، و طبق مقتضیات زبان خود علامت‌های میخی را دگرگون کردند. ایرانیان باستان در موفقیت‌های سومریان، از جمله در ابداع خط میخی کوشش و فعالیت فراوانی نمودند. در هزاره دوم قبل از میلاد، خط میخی در سراسر خاور نزدیک متداول بود.

دوره تمدن سومریان از سه مرحله فرهنگی تشکیل می‌شد: مرحله پیش از اختراع خط، مرحله پیدایش خط و مرحله خط باستانی.

در مرحله اول تنها پیشرفت‌هایی که نصیب سومریان گردید، فن حماسه‌سرایی بود. شعرای درباری و خنیاگران در مدح دلاوری‌های پادشاهان سومری سخن‌سرایی می‌کردند.

در دومین مرحله که حدود ۲۰۰ سال طول کشید، سومریان به آفرینش آثاری پرداختند که برای سومر و آسیای غربی اهمیت فراوانی داشت. فن معماری پیشرفت قابل توجهی کرد، و احتمالاً اختراع خط در این مرحله صورت گرفت. اختراع خط سبب شد تا خاور نزدیک با همه اختلافات نژادی، دارای وحدت فرهنگی گردد. شیوه نوشتن خط سومری با علامت‌های مصطلح آن زمان، به تدریج از طرف کلیه ملل متمدن آسیای غربی به عاریت گرفته شد، در نتیجه فرا گرفتن زبان و ادبیات سومری، جزء مواد اساسی آموزش خواستاران دانش درآمد. این گروه اندک از افراد باسواد، در اجتماع‌های باستانی خاور

۹ خطوط قبل از اسلام

نزدیک، وجهه و نفوذ بسیاری داشتند. پیروزی درخشان سومریان در امور معنوی و فکری، سطح شناخت و آگاهی مردم خاور نزدیک در آن دوران را به طرز بی سابقه‌ای بالا برد، و باید گفت که موفقیت‌های بزرگ سومریان، ثمره فعالیت و کوشش دست کم سه گروه نژادی بود: ایرانیان باستان، سامی‌ها و سومریان.

در مرحله سوم تاریخ تمدن سومر یا «مرحله خط باستانی» که چهار قرن به طول انجامید، موفقیت‌های معنوی و فرهنگی مرحله دوم افزایش یافت، به ویژه در زمینه خط میخی، که قبلاً تصویری و اندیشه‌نگار بود و با گذشت زمان به هجایی تبدیل گردید. خط میخی در پایان مرحله سوم برای ثبت حوادث تاریخی و اجتماعی و محاسبات روزمره به کار آمد (کریمر، ۱۳۸۵: ۱۸۹-۱۹۰).

خط میخی در آغاز به صورت خط تصویری بود. علامت‌ها عموماً تصاویر اشیاء گوناگون مادی بودند و به جای کلماتی به کار می‌رفتند که معنای آن‌ها با تصاویر مطابقت داشت. این شیوه خط نویسی، دو نقص بزرگ داشت: ابتدا، پیچیدگی خود علامت‌ها؛ و دوم، تعداد بی‌شمار علامت‌ها که فرا گرفتن آن‌ها را بسیار دشوار و استفاده عملی از خط را غیر ممکن می‌ساخت. اشکال اول را کاتبان سومری با آسان و ساده کردن علامت‌ها رفع کردند، به نحوی که تصاویر اولیه با صورت‌های تغییر یافته بعدی هیچ گونه شباهتی نداشتند. اشکال دوم را با محدود ساختن شمار علامت‌های تصویری بر طرف ساختند. مهم‌ترین کاری که کاتبان سومری انجام دادند، تبدیل علامت‌های تصویری به حروف هجایی (آهنگی یا صوتی) بود.



شکل ۱-۴. لوحه گلی، مراحل نخستین تکامل خط میخی، دوران پیش از کتابت حدود ۳۰۰۰ ق م، مکشوفه از کیش، عراق، موزه بریتانیا (تاریخ خط)



شکل ۱-۵. لوحه گلی به خط میخی، دوره سوم سلسله اور، ۲۳۶۰ ق م (تاریخچه مصور الفبا و خط)

شکل ۱-۶ مراحل تکامل خط میخی و تبدیل علامت‌های تصویری به حروف هجایی را روشن می‌سازد. مفهوم تصاویر ارائه شده در جدول به زبان سومری از این قرار است.

ستون افقی: ۱. تصویر ستاره به جای کلمه سومری «آن» یعنی آسمان، ۲. این علامت به جای کلمه سومری «کی» یعنی زمین، ۳. تصویر نیم تنه بالای انسان به جای کلمه سومری «لو» یعنی مرد، ۴. کلمه سومری «سل» و کلمه «مونوس» یعنی زن، ۵. تصویر کوه به جای کلمه سومری «کور» یعنی کوه، ۶. تصویر زن و کوه، ترکیب این دو «زن کوهسانی» یا «کنیز»، ۷. تصویر سر به جای کلمه سومری «سگ» یعنی سر، ۸. تصویر جزئی از سر یعنی دهان و در سومری «دوگ» به معنی سخن گفتن، ۹. تصویر ظرف غذا به جای کلمه سومری «نینه» یعنی غذا، ۱۰. تصویر از دهان و ظرف غذا به جای کلمه سومری «کو» یعنی غذا خوردن، ۱۱. تصویر جوی آب به جای کلمه سومری «آ» یعنی آب، ۱۲. تصویر دهان و جوی آب به جای کلمه «نگ» یعنی نوشیدن، ۱۳. تصویر پا در حال راه رفتن به جای کلمه سومری «دو» یعنی رفتن، ایستادن، ۱۴. تصویر پرنده به جای کلمه سومری «موشین» یعنی پرنده، ۱۵. تصویر یک ماهی به جای کلمه سومری «خا» یعنی ماهی، ۱۶. تصویر سر و شاخ‌های گاو به جای کلمه سومری «گود» یعنی گاو، ۱۷. تصویر سر گاو به جای کلمه سومری «آب» یعنی گاو ماده و ۱۸. تصویر خوشه جو به جای کلمه سومری «شیه» یعنی جو.

ستون عمودی: ۱. قدیم ترین ادوار تکامل خط سومری، ۲. چرخش ۹۰ درجه‌ای
تصاویر به چپ تا علامت‌ها بر پشت قرار گیرند، ۳. علامت‌های میخی بر روی گل، ۴.
علامت‌های میخی بر روی سنگ و فلز، ۵ و ۶. علامت‌های میخی بین سال‌های ۲۳۵۰
تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد، ۷. علامت‌های میخی در نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد و ۸.
علامت‌های میخی زده شده توسط کاتبان آشوری در هزاره اول قبل از میلاد.



شکل ۱-۶. مراحل تکامل خط میخی از چپ به راست و تبدیل علامت‌های تصویری
به حروف هجایی



شکل ۱-۷. یک کتابچه مشق بر لوح گلی به خط میخی باستانی با سرمشق معلم، موزه ملی ایران (الواح بابل)



شکل ۱-۸. تصویر تکامل یافته خط میخی سومری جدید، ۲۰۴۸ ق م، مکشوفه در گریسو عراق، موزه بریتانیا (تاریخ خط)

۱-۲-۲ خط میخی ایلامی

سرزمین ایلام^۱ واقع در جنوب غرب ایران، تا هزاره سوم پیش از میلاد، با تمدن سومریان در ارتباط بودند. خط میخی سومری نخستین بار در هزاره سوم پیش از میلاد به عنوان خط زبان اکدی وارد ایلام شد. در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد، شکل نوشتاری خط در ایلام به کمک خط سومری - اکدی در مسیر خود رشد نمود و در زبان ایلامی نیز مورد استفاده قرار گرفت. زبان ایلامی از خانواده زبان های سامی است. کتیبه های سلطنتی قرون ۱۲ و ۱۳ پیش از میلاد، به خطی نوشته شده که میخی ایلامی میانه نامیده می شود. این خط بیشتر دارای خصوصیات هجایی است و تعداد اشارات واژه ای آن به ۲۵ و نمودارهای آن به هفت و اشارات هجایی آن به ۱۳۱ عدد می رسد. در برابر اسامی شهرها و کشورها، میخ های افقی ساده به عنوان نمودارهای معمولی به طرز ویژه ای استفاده می شده است (فریدریش، ۱۳۶۸: ۶۱-۶۰).



شکل ۹-۱. کتیبه ای به خط ایلامی، حدود ۱۱۰۰ ق م، موزه لوور، پاریس (کهن دیار، ج ۱)^(۱)

۱. ایلام Elam، نام قوم و تمدن قدیم تاریخی است که در جنوب ایران (خوزستان فعلی) در ۴۰۰۰ سال ق م وجود داشته اند و در تورات نیز از آن یاد شده است. بعد از آن در زمان ایرانیان قدیم همان قوم به نام سوسینا Susiana نامیده شده اند، و هرودوت از آن ها نام می برد و شهر شوش مرکز آن ها که بعداً تخت گاه شاهان پارس گردید (۶۰۰ ق م). در سال ۱۳۱۱ هـ ش به «عیلام» موسوم گردیده است (الواح بابل، ص ۶۷).



شکل ۱-۱۰. بخشی از یک کتیبه ایلامی که نام ۲۴ پادشاه سلسله آوان و شیماشکی بر روی آن نوشته شده، ۱۸۰۰ ق م، موزه لوور (کهن دیار، ج ۱)

۱-۲-۳ خط میخی پارسی (میخی ایرانی)

خط میخی در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد، به صورت اندیشه نگاری و نقوش بوده و از زمان سومریان، دوره اوروک (۳۴۰۰ تا ۳۱۰۰ ق م) به بعد تحولاتی به وجود آمد و تدریجاً به صورت علامت و سپس آهنگی درآمد و سایر ملت‌ها از قبیل اکدی‌ها، بابلی‌ها، ایلامی‌ها و آشوری‌ها خط خود را از سومری‌ها اقتباس کردند، و نه تنها کشورهای مجاور، بلکه قبایل دوردست مانند هیتی‌ها، میتانی‌ها (در شمال سوریه و آسیای صغیر)، اورارتو و سایر ملت‌های شرق باستان، خط میخی را از آشوری‌ها و بابلی‌ها گرفته و ایرانیان (مادها و پارس‌ها) نیز این خط را از آشوری‌ها یا ایلامی‌ها (یا هر دو) اقتباس کردند و آن را از صورت نموداری و آهنگی به شکل الفبایی درآوردند. از خط و زبان مادی‌ها، چون هیچ‌گونه کتیبه‌ای پیدا نشده، اطلاعات دقیقی نداریم، اما همین قدر می‌دانیم که زبان مادی و پارسی چندان اختلافی با هم نداشته‌اند زیرا هر دو قوم ایرانی و از یک نژاد بوده‌اند.

مادها و پارس‌ها در اواخر هزاره سوم یا اوایل هزاره دوم قبل از میلاد، حکومتی تشکیل دادند که در قرن هفتم قبل از میلاد فوق‌العاده گسترش یافت. بعضی از محققین (مخصوصاً ایر) معتقدند که خط میخی پارسی پس از سقوط آشوریان توسط مادها و پارس‌ها، از خط آشوری اقتباس گردید و هر یک از شکل‌ها و علامت‌ها ساده گردید تا آنجا که در قرن ششم قبل از میلاد، حروف کافی برای کلیه اصوات ابداع شد و خط میخی آشوری به خط الفبایی میخی پارسی تبدیل گردید. در هر حال آنچه محقق است و کتیبه‌های ایلامی و بابلی کنار کتیبه‌های پارسی مؤید آن است، خط میخی هنگامی که به دست ایرانیان افتاده ذوق و سلیقه و ابتکار و واقعیت زمان ایجاب کرد تا به منظور سهولت در نوشتن، اصلاحات و جرح و تعدیل‌هایی در آن صورت پذیرد. آنان اِعراب

را جزء حروف آورده و خط را به صورت الفبایی درآوردند، به نحوی که در زمان پادشاهان هخامنشی به طرز ساده و روانی در کتیبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در حالی که در آن ایام در ایلام و بابل به همان صورت اولیه یعنی نموداری و هجایی استفاده می‌شد. باید اذعان داشت که خط میخی پارسی ساده‌ترین نوع خط میخی بوده است.

تقلیل حروف میخی از ۸۰۰ حرف بابلی، ۷۰۰ حرف آشوری و حدود ۳۰۰ حرف ایلامی به ۴۲ حرف و علامت میخی پارسی و آسان نمودن کار نویسندگی، یکی از کارهای برجسته و از ابتکارات مهم ایرانیان باستان (مادها و پارس‌ها) بوده است. خط میخی پارسی مانند هیروگلیف مصری، از زیباترین خطوط باستانی است که در کنار نقوش برجسته تخت جمشید، و در سینه کوه‌های نقش رستم، بیستون، همدان و شوش، و نیز روی الواح زر و سیم، به شکل زیبا و منظمی جلوه‌گری می‌کنند. لازم به ذکر است که خط اداری و نوشتاری در زمان هخامنشیان آرامی بوده است.

داریوش بزرگ در قسمتی از کتیبه بیستون می‌گوید: «... به خواست اهورامزدا این است نبشته‌ای که من کردم. افزون بر این به فرمان من به زبان آریایی، هم بر پوست و هم بر چرم نوشته شد. پیکره خودم را نیز ساختم و همراه تبارنامه‌ام در اینجا آوردم. این‌ها در پیش من نوشته و خوانده شد و گواهی (مهر) شد. آن‌گاه من این نوشته را به همه جا برای همه ساتراپ‌ها^۱ فرستادم تا به آگاهی مردم رسانند».

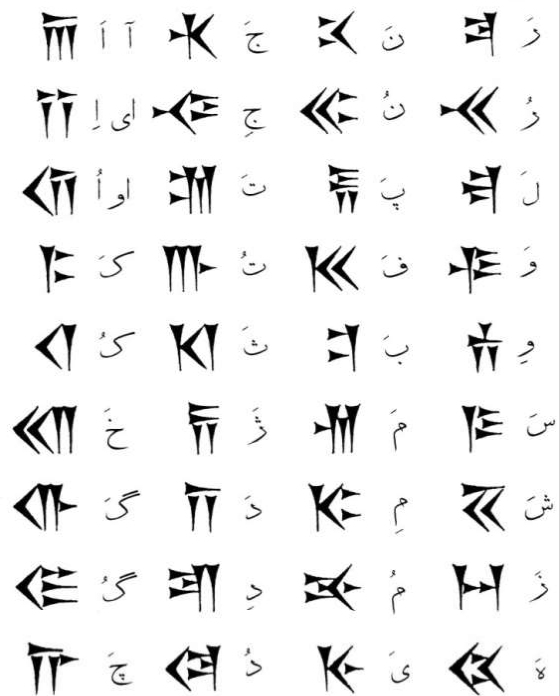
الفبای خط میخی پارسی ۴۲ علامت دارد و هر علامت از یک تا پنج نقش دارد که به شکل میخ‌های افقی، عمودی و مایل است و بدین گونه آن‌ها را مشخص کرده‌اند:

- پنج علامت برای مفهوم‌نویسی کلمات خشای ثیی (شاه)، بومش (زمین)، دهیا‌اش (کشور)، بگ (خدا) و اور مزدا (اهورا مزدا یا اور مزداها)؛
- سه علامت برای حروف صدادار^۱ «آ - او - ای»؛
- یک علامت برای صدای «ی»؛
- ۳۲ علامت برای حروف بی‌صدا یا مُصَمَّت^۲ که با حروف صدادار (مُصَوَّت) به صورت زیر ترکیب می‌شدند: بیست و یک حرف با «آ» چهار حرف با «ا» و هفت حرف با «أ»؛

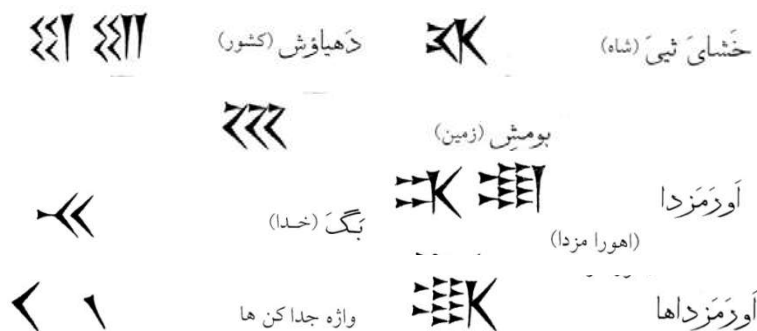
۱. ساتراپ Satrap «مأخوذ از یونانی»، والی، نام حاکم ایالت‌های ایران قدیم. ساتراپ نشین Satrapies، نام ایالت‌های ایران قدیم.

2. Consonat

- علامت «واژه جدا کن» که به دو صورت نگارش می‌گردید و برای نشان دادن حدفاصل بین کلمات به کار می‌رفت تا خواننده حرفی را از کلمه‌ای به کلمه دیگر نبرد؛
- به کاربردن ۲۲ علامت برای نوشتن اعداد میخی.



نمودارها



شکل ۱-۱۱. الفبای خط میخی پارسی و نمودارها (تاریخ خط و خوشنویسی)